

شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد رهبران محلی در راستای توسعه روستایی

مجید بگلریان^۱، بهمن خسروی پور^{۲*}

^۱دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان (majidbiglarian@yahoo.com)

^{۲*}استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان (نویسنده مسئول) (b.khosravipour@gmail.com)

چکیده

با توجه به مشکلات نواحی روستایی در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه از اوایل دهه ۱۹۸۰ و از جمله کاهش جمعیت، کاهش سطح انتقال و درآمد، کاهش خدمات عمومی و تضعیف هویت و فرهنگ روستایی، ضرورت راهبردهایی برای کمک به تجدید حیات اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی احساس گردید. یکی از راهبردهای تسریع کننده برنامه‌های توسعه روستایی استفاده از ظرفیت رهبران محلی می‌باشد. اهمیت نقش رهبران محلی در توسعه روستایی تا جایی است که برخی اندیشمندان از آنان به عنوان چراغ سبز روستا نام می‌برند، یعنی برای ورود به جامعه روستایی و انجام پروژه‌های روستایی و در کل ایجاد نوآوری یا فن‌آوری جدید می‌بایست ابتدا از کانال‌های ارتباطی واسطه یا همان رهبران محلی استفاده نمود. قاعدتاً در این راستا چنانچه این افراد درک روشن و واضحی از برنامه توسعه نداشته باشند و هماهنگی با آنها صورت نگیرد می‌توانند به عنوان ترمزی در برابر فرآیند نشر نوآوری و فن‌آوری عمل نموده و از ورود نوآوری جلوگیری کرده یا حداقل فرآیند نشر نوآوری را تطویل نمایند. در این راستا پژوهش حاضر با درک ضرورت نقش رهبران محلی در فرآیند توسعه روستایی به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد رهبران محلی جهت تسهیل فرآیندهای توسعه در جوامع روستایی می‌باشد. تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت مروری و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات مروری و اسنادی است. یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عملکرد رهبران محلی در راستای توسعه روستایی مواردی همچون "خلاقیت"، "نوآوری"، "مشارکت"، "کارآفرینی"، "آموزش" و "فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)" می‌باشند.

کلمات کلیدی: عملکرد، رهبران محلی، توسعه روستایی.

Identification of factors influencing the performance of local leaders in rural development

Majid Beglarian¹, Bahman Khosravipur^{2*}

¹Ph.D. Student of Agricultural Development, Khuzestan Agricultural and Natural Resources University

majidbiglarian@yahoo.com

²Professor of Agricultural Extension and Education, Agricultural and Natural Resources University of Khuzestan (Corresponding Author) b.khosravipour@gmail.com

Abstract

Regarding the problems of rural areas in many countries of the world, especially since the early 1980s, including population declines, declining levels of transmission and income, reduced public services and the weakening of rural identity and culture, the need for strategies to help economic and social regeneration rural communities felt. One of the accelerated strategies of rural development programs is to use the capacity of local leaders. The importance of the role of local leaders in rural development is to a point that some scholars call them the "green light" of the countryside, that is to enter the rural community and carry out rural projects and, in general, create new technologies or innovations, First, use intermediate communication channels, or local leaders. Therefore, if these people do not have a clear understanding of the development plan and do not coordinate with them, they can act as a brake on the process of disseminating innovation and technology and prevent the introduction of innovation, or at least the process of publishing innovation to fulfill. In this regard, the present study is aimed at understanding the necessity of the role of local leaders in the process of rural development by identifying the factors influencing the performance of local leaders in facilitating the development processes in rural communities. The present study is based on the nature of the review and information gathering tool through review and documentary studies. The findings showed that the most important factors affecting the performance of local leaders in rural development were creativity, innovation, participation, entrepreneurship, education, and ICT. Keywords: Performance, Local Leadership, Rural Development.

مقدمه

کانال‌های بومی نظیر رهبران محلی مجراهای تغییر با اهمیتی هستند. در برخی مطالعات، اهمیت تماس‌های بین‌فردی غیررسمی برای متقاعد کردن افراد به پذیرش نوآوری بیان شده است که اغلب تماس‌های غیررسمی از طریق کانال‌های بومی صورت گرفته است. کانال‌های بومی باعث مشارکت افراد محلی در فرایند توسعه می‌شوند و افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند لزوماً به یک اندازه از دانش بومی فنی متعلق به آن جامعه بهره نمی‌برند. بنا به عللی چون سن، جنس، تجربه، حرفه و شخصیت‌های گوناگون می‌توان تفاوت‌هایی را در میان افراد مختلف یک جامعه در این زمینه مشاهده نمود. منابع ارتباطات بومی می‌تواند خبرگان محلی (کشاورزان نمونه)، پیشه‌وران بومی (حکیمان، آهنگران و...)، نوآوران، افراد واسط (مروجان) و واسطه‌های غیررسمی می‌باشد. اگر تصور شود که می‌توان برای مردم محلی آنچه را که از نظر ما برای آنها بهترین است تدبیر کنیم در واقع خودمان را فریفته‌ایم. در طراحی برنامه‌های توسعه، ابتکارات محلی اغلب مورد غفلت و مسامحه قرار گرفته است (آراستی و همکاران، ۱۳۸۸). توسعه نوآوری‌ها، ابداع‌ها و فناوری‌ها مستلزم وجود نهادها و افراد حمایت‌کننده از طریق ایجاد تعهدات است که امکان توسعه و پذیرش‌ها را در جامعه فراهم می‌کنند (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۴). داشتن درکی صحیح از ارتباطات بومی‌شناسی، مشارکت و همکاری مردم محلی با برنامه‌ریزان و مجریان پروژه‌های توسعه روستایی را افزایش می‌دهد. در تحقیقاتی در فلوریدای آمریکا به این نتیجه رسیدند که باز بودن برای تغییر و به همراه داشتن دیدگاه جامعه، وابسته به داشتن رهبران جامعه‌ای است که اعتماد زیادی را با افراد جامعه به اشتراک می‌گذارند و همچنین تقویت توسعه را در جامعه تشویق می‌کنند (Rickets, 2005). علاوه بر این بسیاری معتقدند رهبری یک کاتالیزور است که از طریق آن تغییرات مثبت رخ می‌دهد. رهبران محلی به این نتیجه رسیده‌اند که اگر قرار است توسعه اقتصادی و اجتماعی رخ دهد، مسئولیت آنها این است که این اتفاق بیفتد (Ozor and Nwankwo, 2008). هدف پژوهش حاضر در این مقاله بر این است تا عواملی را که بر گرایش رهبران روستایی به سمت توسعه و آبادانی روستایی مؤثر و حائز اهمیت است را شناسایی نماید.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع تحقیقات مروری و از لحاظ هدف، کاربردی است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای، ترجمه مقالات مرتبط با موضوع و کاوش رایانه‌ای در شبکه جهانی اطلاعات صورت گرفته است.

نتایج و بحث

در برنامه‌ریزی توسعه‌ی پایدار، رویکرد مبتنی بر نظام محلی امری ضروری است. نقش مشارکتی جامعه‌ی محلی برای تسهیل روند تصمیم‌گیری غیرمتمرکز اساسی بوده و طبق نظر برنامه‌ریزان موفقیت مشارکت جامعه و سازمان‌های محلی بستگی به درک کارکرد نظام اجتماعی-اقتصادی و قابلیت یکپارچه‌کردن عناصر انسانی به صورت فردی و جمعی در سطح محلی دارد که این مهم در قالب رهیافت مدیریت مبتنی بر جامعه‌ی محلی قابل تبیین است. بر مبنای این رهیافت همه‌ی برنامه‌های توسعه‌ای برای مردم و بهره‌مندی مردم انجام می‌گیرد. مدیریت مبتنی بر جامعه محلی ابزاری است برای ظرفی سازی و توانمندسازی جامعه محلی، بهبود مشارکت مردم، تقویت مسئولیت پذیری و ضمانت اجرایی پروژه‌ها، سازماندهی نهادهای محلی و بهبود استفاده از سرمایه‌ها جهت تأثیرگذاری در فرآیند توسعه، که با هدف پذیرش و رفع نیازهای جوامع روستایی برای توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و حفاظت از منابع تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد (ابراهیمی و سلیمی‌کوچی، ۱۳۹۶).

عوامل موثر بر عملکرد رهبران محلی در زمینه توسعه روستایی

خلاقیت

خلاقیت به معنای خلق کردن است. از دیدگاه روانشناختی، خلاقیت «Creativity» یا آفرینش برگردانی از واژه ی معنای پدید آوردن چیزی از چیز دیگر به گونه ای منحصر به فرد است. به عبارت دیگر، خلاقیت به معنی کم یا زیاد کردن یک پدیده و تغییر شکل دادن و یا ترکیب کردن آن با سایر پدیده ها، اشیا یا چیزها است. خلاقیت، بکارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است. خلاقیت را می توان فرایند تولید ایده های نو، فرایند کشف مفاهیم جدید و یافتن راه های جدید برای حل مسائل تعریف کرد. تعریف خلاقیت از دیدگاه سازمانی یعنی ارائه ی فکر و طرح نوین برای بهبود و ارتقاء کمیت یا کیفیت فعالیت های سازمان؛ مثلا افزایش بهره وری، افزایش تولیدات یا خدمات، کاهش هزینه ها، تولیدات یا خدمات از روش بهتر، تولیدات یا خدمات جدید (کاظمی و شکیب، ۱۳۹۳).

روبرت جی استرنبرگ و لیندای اوهارا در بررسی های خود شش عامل را در خلاقیت افراد موثر دانسته اند:

- دانش : داشتن دانش پایه ای در زمینه ای محدود و کسب تجربه و تخصص در سالیانتمادی.
 - توانایی عقلانی : توانایی ارائه ی ایده ی خلاق از طریق تعریف مجدد و برقراری ارتباطات جدید در مسائل.
 - سبک فکری : افراد خلاق معمولا در مقابل روش ارائه شده از طرف سازمان و مدیریت ارشد، سبک فکری ابداعی را بر می گزینند.
 - انگیزش : افراد خلاق عموما برای به فعل در آوردن ایده های خود برانگیخته می شوند.
 - شخصیت : افراد خلاق عموما دارای ویژگی های شخصیتی مانند مصر بودن، مقاوم بودن در مقابل فشارهای بیرونی و داخلی و نیز مقاوم بودن در مقابل وسوسه ی هم رنگ جماعت شدن هستند.
 - محیط : افراد خلاق عموما در داخل محیط های حمایتی بیشتر امکان ظهور می یابند.
- موانعی برای بروز خلاقیت وجود دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

-عدم اعتماد به نفس

-ترس از انتقاد و شکست

-تمایل به هم رنگی و همگونی

-عدم تمرکز ذهنی و... (همان منبع).

مطالعات تجربی و رویکردهای نظری، این ایده را مطرح می کنند که تفکر خلاق و اقدامات نوآورانه برای افزایش شانس موفقیت در تلاش های توسعه ضروری است (Leel and Lindsey, 2011).

نوآوری

نوآوری فرایندی است که رهبران محلی توسط آن فرصت را به ایده ی قابل عرضه به بازار تبدیل می کنند. به کمک این ابزار است که رهبران به تغییرات شتاب می دهند، در حقیقت نوآوری فرایند اجرای خلاقیت است. به عبارت دیگر نوآوری تحقق بخشیدن و عملیاتی کردن ایده های نو و به طور کلی تبدیل خلاقیت به تشبیه عینی است.

نوآوری انواع مختلف دارد : ۱- نوآوری بنیادی ۲- نوآوری در فرآیند ۳- نوآوری در محصول ۴- نوآوری مبتنی با ساختن

۵- نوآوری در خدمات ۶- نوآوری در بازاریابی

شومپیز اعتقاد دارد انواع نوآوری به شرح زیر است

۱- نوآوری در منابع و مواد خام ۲- نوآوری در روشها و فرآیندها ۴- نوآوری در تشکیلات و سازمانهای اجرایی

۵- نوآوری در بازارها

توانمندی نوآوری توان بالقوه یک بنگاه در انجام فعالیتهای نوآورانه است (آراستی و همکاران، 1388).

مشارکت

مشارکت، فرایند درگیری در موقعیت های گروهی داوطلبانه سازمان های غیر دولتی، اجتماع محور و مردم محلی در برنامه ریزی یا تصمیم گیری برای اموری است که بر معیشت یا محیط آنان تأثیر می گذارد و آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی با پذیرش مسئولیت، یکدیگر را یاری دهند. یکی از چالش های اساسی که در زمان حاضر جامعه روستایی ایران در حوزه های برنامه ریزی اقتصادی اجتماعی و توسعه روستایی با آن روبروست، مقوله مشارکت است. امروزه توسعه روستایی بدون نهادینه شدن مشارکت، امری دور از دسترس تلقی می شود. به نظر می رسد سه پیش شرط یا زمینه اساسی برای مشارکت اجتماع های محلی در برنامه های توسعه روستایی باید فراهم شود عبارتند از اجتماعی، اداری مدیریتی، و ساختاری. در تحقیقی که توسط رضوانی و همکاران انجام شد و داده های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه با آگاهان محلی گرد آوری و با روش تحلیل محتوا، تحلیل شده است، نشان میدهد در بین عوامل اجتماعی، " مهارت های رهبری و سازماندهی در میان روستائیان بیشترین تأثیر را داشته است". در این زمینه شایسته است مدیران و کارشناسان و طراحان داخلی پروژه های مشارکتی در هرگونه فعالیت مشارکتی، انعطاف پذیری بیشتری در مورد روستائیان از خود نشان دهند و نقاط ضعف موجود را برطرف سازند. از دید چمبرز، ارزیابی مشارکتی روستایی مجموعه ای عملی از فونونی است که مردم محلی را برای بیان و اشتراک تجارب و دانش زندگی و شرایط شان با دیگران برای اهداف برنامه ریزی، اقدام، پایش و ارزشیابی توانمند می سازد، به طوری که به خلق فرصت ها برای مردم محلی برمی گردد تا برای مشارکت در برنامه های کاری توانا شوند. این توانمندسازی بیشتر به گستردگی و شیوه تسهیل گری و اندازه سرمایه گذاری برای آن، تعهد قوی زمانی، و میزان علاقه و شکیبایی در برابر اجتماع بستگی دارد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸).

کارآفرینی

کار آفرینی فرایندی از ارائه اندیشه های تازه و نو، بهره گیری از امکانات و فرصت های موجود با تکیه بر دانش، پیشه و کار مربوط به آن و پذیرش خطر است. یک کار آفرین به منظور تحقق ایده اش عوامل مورد نیاز مانند: زمین، نیروی کار، مواد مصرفی و سرمایه را فراهم آورده و با استفاده از قدرت تصمیم گیری، مهارت ها و استعداد های فردی اش در طراحی، سازمان دهی، راه اندازی و مدیریت واحد جدید، ایده اش را محقق ساخته و از این راه به کسب درآمد می پردازد. کارآفرین سرمایه دار نیست ولی قادر است از سرمایه های راکد به خوبی استفاده کند. آقای جفری تمونز اعتقاد دارد کارآفرین از هیچ، یک چیز ارزشمند فراهم می کند. بیل گیتز می گوید بیشترین راه حل ها در جای دیگری کشف می شود که باید آنها را شناسایی و از حوزه ی کشفشان به حوزه ی خودمان انتقال دهیم. عوامل موثر در فرآیند کارآفرینی شامل:

- شرایط اقتصادی و بازاری
- ساختار و پویایی صنعت
- چهارچوب قوانین و مقررات
- سرمایه های اجتماعی
- جنبه های مربوط به کارآفرین (مطهری، ۱۳۸۶).

مفاهیم بدست آمده در مورد چگونگی تأثیر رهبران آینده روستایی در توسعه ثابت شده است که یکی از زمینه های تحسین برانگیز برای پاسخگویی به مطالعه، آموزش کارآفرینی است. یکی از راه حل های ذکر شده، ارائه فرصت های آموزشی بیشتر در سیستم های مدارس روستایی برای "آموزش کارآفرینی" بود (Leel and Lindsey, 2011).

پیامدهای کارآفرینی

دامنه ی تاثیرات کارآفرینی بر جامعه بسیار وسیع است. از تغییر در ارزش های اجتماعی تا رشد شتابان اقتصادی، محققین تغییرات مختلفی را که کارآفرینی در یک جامعه ایجاد می کند، بررسی کرده و آثار آن را از دیدگاههای متفاوت مورد بحث قرار داده اند. برخی از این تاثیرات عبارتند از:

-اشتغال زایی

انتقال تکنولوژی، ترغیب و تشویق سرمایه گذاری، شناخت، ایجاد و گسترش بازارهای جدید، افزایش رفاه، سامان دهی و استفاده ی اثر بخش از منابع. کارآفرینی، پایه های شکل گیری نوین اقتصاد در ابتدای هزاره ی سوم میلادی است و دگرگونی های شگرفی از قبیل انقلاب فن آوری اطلاعات و تغییر ترکیب نیروی کار به نفع نیروهای دانش محور از جمله این تغییرات است.

-رشد اقتصادی

ویژگی بارز اقتصاد امروز، تغییرات سریع است. لذا کشورهایی می توانند در چنین اقتصادی موفق باشند که قابلیت تطبیق با این تغییرات را داشته باشند. کشورهایی که در آنها میزان فعالیت های کارآفرینانه بالاتر است، قادرند تا در اقتصاد جهان موقعیت بهتری کسب کنند.

-ایجاد صنایع نو

بسیاری از صنایع جدید از پیامدهای کارآفرینی می باشند. صنایعی نظیر؛ کامپیوتر های شخصی، بیوتکنولوژی، تلویزیون های کابلی، محصولات جدید، ارتباطات بی سیم، خدمات پستی صوتی، تلفن های همراه، فروشگاه های اینترنتی، رسانه های دیجیتالی و ... است. کارآفرینی از محورهای اصلی رشد و توسعه است و از نظر برنامه ریزی توسعه ی اقتصادی و توسعه پایدار دارای اهمیت است زیرا:

- موجب اشتغال می شود.
- باعث افزایش سود و سرمایه ی سرمایه گذاران می شود.
- موجب دگرگونی ارزش ها و تحول ماهیت آنها می شود و ارزش های تازه ای به وجود می آورد.
- موجب پر شدن خلا ها و شکاف های بازار کار می شود. یعنی با توجه به دگرگونی شرایط بازار کار و فراهم شدن فرصت های تازه، تصمیم های تازه ای گرفته می شود.
- موجب گذار از رکود اقتصادی، جبران عقب ماندگی های اقتصادی و آسان شدن روند رشد و توسعه ی کشور می شود.
- عوامل و شرایط لازم را برای تولید کالا ها، محصولات و بازاریابی آنها فراهم می سازد.
- کار آفرینی به هنگام بحران و ناتوانی بخش خصوصی در ایجاد اشتغال می تواند باعث جلوگیری از پس روی اقتصاد شود.
- موجب رقابت صنایع به ویژه صنایع مشابه داخلی با یکدیگر و سرانجام موجب بهبود و بالا رفتن کیفیت کالاها می شود.
- باعث تقویت و تکامل صنایع داخلی می شود و بدین ترتیب زمینه ی رقابت صنایع داخلی و خارجی فراهم می آید و سرانجام به افزایش صادرات و دریافت ارز برای کشور می انجامد (همان منبع).

آموزش

ارتباطات و آموزش کلید توسعه منابع انسانی در روستا هستند. آموزش را می توان هم به عنوان نهادی برای فرایندهای توسعه و هم به عنوان یک محصول فرایندهای توسعه، در نظر گرفت. تربیت نیروی کار ماهر و مردمی عموماً آگاه و آموزش دیده بعنوان هدف و هم به عنوان ابزار و وسیله باعث افزایش بهره وری، آگاهی نسبت به حقوق و مسوولیتها، مشارکت در برنامه ریزی، اجرای طرح ها و ... میشود که از طریق ارتباطات (کانالها و ابزار) ممکن می باشد. پائولوفریه دانشمند برزیلی فرضیه هایی را ارائه می کند که اساس آنها بر پایه تعویض متقابل آموزش دهنده و آموزش گیرنده استوار است و در نظریات خود بر این باور است که در آن از خود جامعه برای شناسایی مشکل و ارائه راه حل برای آن کمک خواسته می شود و مردم از جمله روستائیان ظروف خالی نیستند که بتوان حقایق را در درون آنها ریخت. بلکه آنها افراد دانا و آگاهی به شمار می روند. باید جامعه را به گونه ای فعال کرد تا افراد نیازهای خود را بیان و راه حلی برای



تأمین آنها ارائه دهند ضمن آنکه به گونه ای سازماندهی سیاسی شوند که بتوانند به هدفهای خود برسند به نظر میرسد چنین نظریه ای نوعی خروج از نظریه سنتی آموزش روستائی باشد که در آن به جای انتقال دانش و مهارتها روی جامعه بعنوان یک واحد تصمیم گیری تأکید می شود امروزه اهمیت توسعه روستائی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها برکسی پوشیده نیست و تحقق این امر مهم بیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی است. اولویت رشد و توسعه منابع انسانی به سایر وجوه توسعه روستائی امری انکارناپذیر است به دیگر سخن منابع انسانی عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دست یابی به توسعه پایدار است. نهاد های فرهنگی، مراکز آموزشی و وسایل ارتباط جمعی به عنوان بسترهای گسترش ظرفیت های آموزشی افراد بسیار مهم می باشند این نهادها، مراکز و کانال های ارتباطی به ویژه از طریق ارائه تسهیلات و خدمات و آموزشهای غیر رسمی در ساختار آموزشی جامعه اهمیت به سزایی دارد و تاثیر آنها را بر توسعه انسانی نمی توان نادیده گرفت. ایجاد ارتباط گسترده با استفاده از روش های ارتباطی و بهبود کمی و کیفی ارتباط از جمله ضرورت های دستیابی به توسعه انسانی در کشور به شمار می رود و توسعه انسانی زیر بنای توسعه همه جانبه می باشد (آراستی و همکاران، ۱۳۸۸).

ارتباطات و فناوری اطلاعات

بر طبق نظریه رامیرز (۱۹۹۸)، ارتباطات توسعه ای، هدف تسهیلگری و پشتیبانی از عاملان توسعه بویژه در زمینه درک نیازها، ارزیابی فرصتها، برنامه ریزی و اجرای اقدامات و نیز یادگیری مشارکتی و تعاملی را دنبال می نماید. ارتباطات، تجهیز عاملان توسعه با روشها و رسانهها است تا بتوانند در حیطه های عملیاتی و سیاسی به درک مشترکی از مسایل و راهکارها نایل گردند و قادر شوند تا با دیگر عامل برخوردار از دیدگاهها و علایق متفاوت، چانه زنی، رایزنی و همکوشی نمایند. فناوری اطلاعات عصاره دانش و تجربه دو هزار ساله بشر است. انسان در تمام طول تاریخ برای شناخت پدیده ها و کاهش ابهامات پیرامون ناشناخته ها به اطلاعات نیازمند بوده است. آغاز تاریخ بشر با توانایی او در انباشت اطلاعات و مبادله آن مقارن است. توسعه ملی بر مبنای فناوری اطلاعات و ارتباطات مستلزم فراهم شدن زیر ساختهای فراوان است که مهمترین آنها بسط مهارتهای ICT است. جامعه اطلاعاتی مبتنی بر ICT مسلما منحصر به یک گروه خاص از شهروندان نخواهد بود بلکه یک جامعه توسعه یافته اطلاعاتی زمانی محقق خواهد شد که توان دسترسی آسان و ارزان به اطلاعات و مهارت استفاده از فناوری های مربوطه برای عموم مردم فراهم باشد. از آنجا که روستا و روستائیان منابع بنیانی تولید و رشد اقتصاد ملی در هر جامعه ای می باشند به فراموشی سپردن این نیروهای مولد و موثر در توسعه اقتصادی به معنای مرگ اقتصادی هر جامعه است. در حال حاضر وضعیت روستاهای کشور از جهات مختلف اقتصادی، رفاهی، بهداشتی و... به مراتب از شهرها وخیم تر می باشد و اگر از هم اکنون ICT را در روستاها نبینیم وضع به مراتب وخیم تر خواهد شد و نرخ مهاجرت ساکنین روستاها به شهرها به طور قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت و همه اینها به معنی نابودی روستاها و نابودی بخش عظیمی از سرمایه کشور خواهد بود. (رزاقی بورخانی و همکاران، ۱۳۹۰).

در واقع، ظرفیت سازی، توانمند سازی، تنوع گرایی، تکنوگرایی استوار بر تمرکززدایی، مشارکت گرایی نهادینه شده و شبکه سازی چند بخشی، حفظ پویایی و بهره برداری عقلایی توأمان و ترکیبی از منابع دانشی، فناوری، انسانی، مالی، فیزیکی، طبیعی، فرهنگی / اجتماعی و نهادی از محورهای کنشگری در فرایند توسعه پایدار روستائی به شمار می روند. توسعه جوامع روستائی به سیاستها و نهادهایی برای تسهیل روند دستیابی، سازگار سازی، اشاعه و کاربست دانش، فناوری و اطلاعات نیاز دارد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات، باعث کم کردن زمان انجام محاسبات، دقیقتر شدن پردازش داده ها، تبادل اطلاعات آسان و کم کردن هزینه داد و ستد شده است. دستاوردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات زمانی حداکثر تأثیرگذاری را در زندگی بشر خواهد داشت که بتواند در تمام زمینه ها و در میان تمام اقشار جامعه رسوخ کند. متأسفانه دنیایی که در آن زندگی می کنیم دچار مشکلی بنام شکاف دیجیتالی می باشد. این شکاف، بخصوص در سطح جامعه روستائی چشمگیرتر است. در حال حاضر ۲/۵ میلیارد نفر از جمعیت ۶ میلیاردی جهان در روستاها و نقاط دور افتاده کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند (حدود ۴۰٪ جمعیت جهان) که درصد کمی از آنها به امکانات ارتباطاتی و اطلاعاتی مناسب دسترسی دارند. این در حالی است که تحلیل گران جهانی عقیده دارند در بحث جهانی سازی، توسعه ICT روستائی نقش اساسی در پیشرفت کشورهای در حال توسعه خواهد داشت. کشورهای هند، مغولستان، چین، سنگاپور و شیلی توسعه ICT روستائی



را طی برنامه‌های دولتی توسط ارگانهای خاص و بخش خصوصی دنبال کرده‌اند و در این کشورها، امروزه دسترسی روستاها به اینترنت کاملاً جا افتاده است و در حال حاضر نیز استفاده از آن، همراه با توسعه ICT ادامه دارد. شاید این تصور وجود داشته باشد که ICT برای روستاهای ایران زود است و باید توسعه تلفن و بالا بردن کیفیت دسترسی آنرا در اولویت قرار داد. اما واقعیت آن است که برای بهبود وضع روستاهای ایران با توجه به پراکندگی جغرافیایی و دوری بعضی از روستاها از شهرها و محرومیت‌های مختلفی که در آنها وجود دارد توسعه ICT در اولویت می‌باشد. با توجه به اینکه بخشی از روستاهای کم جمعیت ایران هنوز دسترسی درستی به تلفن ثابت ندارند، توسعه ICT روستایی در ایران باید با شتاب مضاعفی صورت گیرد تا استفاده مناسب از ظرفیت‌های ICT در بخش روستا انجام پذیرد و روستاها بتوانند تبادل اطلاعاتی لازم با سایر مراکز را داشته باشند و بستر توسعه در آنها فراهم شود تا بتوان در یک فرصت زمانی مشخص، فاصله عمیق دیجیتالی بین شهر و روستا از یک سوی و بین روستا و جهان اطلاعات از سویی دیگر را کاهش داد. در صورتیکه تاخیر بیشتری در این زمینه صورت گیرد و به توسعه ICT در روستاها توجه جدی نشود مشکلاتی برای روستاها بوجود خواهد آمد که شاید جبران آن آسان نباشد. عوارض عدم گسترش ICT در روستاهای بسیار زیاد می‌باشند که می‌توان به افزایش مهاجرت روستائیان، تخریب منابع طبیعی و کاهش درآمدهای گردشگری اشاره نمود (همان منبع).

نتیجه‌گیری

بر طبق نظریه رامیرز (۱۹۹۸)، ارتباطات توسعه‌ای، هدف تسهیلگری و پشتیبانی از عاملان توسعه به‌ویژه در زمینه درک نیازها، ارزیابی فرصت‌ها، برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات و نیز یادگیری مشارکتی و تعاملی را دنبال می‌نماید. ارتباطات، تجهیز عاملان توسعه با روش‌ها و رسانه‌ها است تا بتوانند در حیطه‌های عملیاتی و سیاسی به درک مشترکی از مسایل و راهکارها نایل گردند و قادر شوند تا با دیگر عامل برخوردار از دیدگاه‌ها و علایق متفاوت، چانه‌زنی، رایزنی و همکوشی نمایند. فناوری اطلاعات عصاره دانش و تجربه دو هزار ساله بشر است. انسان در تمام طول تاریخ برای شناخت پدیده‌ها و کاهش ابهامات پیرامون ناشناخته‌ها به اطلاعات نیازمند بوده است. آغاز تاریخ بشر با توانایی او در انباشت اطلاعات و مبادله آن مقارن است. توسعه ملی بر مبنای فناوری اطلاعات و ارتباطات مستلزم فراهم شدن زیر ساخت‌های فراوان است که مهم‌ترین آنها بسط مهارت‌های ICT است. جامعه اطلاعاتی مبتنی بر ICT مسلماً منحصر به یک گروه خاص از شهروندان نخواهد بود بلکه یک جامعه توسعه یافته اطلاعاتی زمانی محقق خواهد شد که توان دسترسی آسان و ارزان به اطلاعات و مهارت استفاده از فناوری‌های مربوطه برای عموم مردم فراهم باشد. از آنجا که روستا و روستائیان منابع بنیانی تولید و رشد اقتصاد ملی در هر جامعه‌ای می‌باشند به فراموشی سپردن این نیروهای مولد و مؤثر در توسعه اقتصادی به معنای مرگ اقتصادی هر جامعه است. در حال حاضر وضعیت روستاهای کشور از جهات مختلف اقتصادی، رفاهی، بهداشتی و... به مراتب از شهرها وخیم‌تر می‌باشد و اگر از هم اکنون ICT را در روستاها نبینیم وضع به مراتب وخیم‌تر خواهد شد و نرخ مهاجرت ساکنین روستاها به شهرها به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت و همه اینها به معنی نابودی روستاها و نابودی بخش عظیمی از سرمایه کشور خواهد بود. (رزاقی بورخانی و همکاران، ۱۳۹۰).

در واقع، ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، تنوع‌گرایی، کثرت‌گرایی استوار بر تمرکززدایی، مشارکت‌گرایی نهادینه شده و شبکه‌سازی چندبخشی، حفظ پویایی و بهره‌برداری عقلایی توأمان و ترکیبی از منابع دانشی، فناوری، انسانی، مالی، فیزیکی، طبیعی، فرهنگی / اجتماعی و نهادی از محورهای کنشگری در فرایند توسعه پایدار روستایی به شمار می‌روند. توسعه جوامع روستایی به سیاست‌ها و نهادهایی برای تسهیل روند دستیابی، سازگار سازی، اشاعه و کاربست دانش، فناوری و اطلاعات نیاز دارد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات، باعث کم کردن زمان انجام محاسبات، دقیقتر شدن پردازش داده‌ها، تبادل اطلاعات آسان و کم کردن هزینه داد و ستد شده است. دستاوردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات زمانی حداکثر تأثیرگذاری را در زندگی بشر خواهد داشت که بتواند در تمام زمینه‌ها و در میان تمام اقشار جامعه رسوخ کند. متأسفانه دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم دچار مشکلی بنام شکاف دیجیتالی می‌باشد. این شکاف، بخصوص در سطح جامعه روستائی چشمگیرتر است. در حال حاضر ۲/۵ میلیارد نفر از جمعیت ۶ میلیاردی جهان در روستاها و نقاط دور افتاده کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند (حدود ۴۰٪ جمعیت جهان) که درصد کمی از آنها به امکانات ارتباطاتی و

اطلاعاتی مناسب دسترسی دارند. این در حالی است که تحلیل گران جهانی عقیده دارند در بحث جهانی سازی، توسعه ICT روستایی نقش اساسی در پیشرفت کشورهای در حال توسعه خواهد داشت. کشورهای هند، مغولستان، چین، سنگاپور و شیلی توسعه ICT روستایی را طی برنامه‌های دولتی توسط ارگانهای خاص و بخش خصوصی دنبال کرده‌اند و در این کشورها، امروزه دسترسی روستاها به اینترنت کاملاً جا افتاده است و در حال حاضر نیز استفاده از آن، همراه با توسعه ICT ادامه دارد. شاید این تصور وجود داشته باشد که ICT برای روستاهای ایران زود است و باید توسعه تلفن و بالا بردن کیفیت دسترسی آنرا در اولویت قرار داد. اما واقعیت آن است که برای بهبود وضع روستاهای ایران با توجه به پراکندگی جغرافیایی و دوری بعضی از روستاها از شهرها و محرومیت‌های مختلفی که در آنها وجود دارد توسعه ICT در اولویت می‌باشد. با توجه به اینکه بخشی از روستاهای کم جمعیت ایران هنوز دسترسی درستی به تلفن ثابت ندارند، توسعه ICT روستایی در ایران باید با شتاب مضاعفی صورت گیرد تا استفاده مناسب از ظرفیت‌های ICT در بخش روستا انجام پذیرد و روستاها بتوانند تبادل اطلاعاتی لازم با سایر مراکز را داشته باشند و بستر توسعه در آنها فراهم شود تا بتوان در یک فرصت زمانی مشخص، فاصله عمیق دیجیتالی بین شهر و روستا از یک سوی و بین روستا و جهان اطلاعات از سوی دیگر را کاهش داد. در صورتیکه تاخیر بیشتری در این زمینه صورت گیرد و به توسعه ICT در روستاها توجه جدی نشود مشکلاتی برای روستاها بوجود خواهد آمد که شاید جبران آن آسان نباشد. عوارض عدم گسترش ICT در روستاهای بسیار زیاد می‌باشند که می‌توان به افزایش مهاجرت روستائیان، تخریب منابع طبیعی و کاهش درآمدهای گردشگری اشاره نمود (همان منبع).

منابع

- ابراهیمی، پ، و سلیمی کوچی، ج. (۱۳۹۶). نقش دانش بومی در توسعه ی پایدار منابع آب و خاک روستایی: مطالعه موردی روستای قصاب ذالکان شهرستان بابل. *نشریه علمی-پژوهشی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران*، سال یازدهم، شماره 39، صص ۳۹-۴۷
- آراستی، م، کرمی پور، آ، و قریشی، ب. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل موثر بر ظرفیت نوآوری بنگاه های اقتصادی: مطالعه موردی شرکت های اتوماسیون صنعتی ایران. *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۳۰-۱.
- اعرابی، م، و موسوی، س. (۱۳۸۸). الگوی استراتژیک مدیریت دانش برای ارتقاء عملکرد پژوهشگاهها. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۱، صص ۲۶ - ۱
- رزاقی بورخانی ف، اسدی، ع. و هاشمی نژاد، آ. (۱۳۹۰). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در توسعه کشاورزی پایدار، اولین همایش ملی راهبردهای دستیابی به کشاورزی پایدار، اهواز، دانشگاه پیام نور استان خوزستان.
- رضوانی، م، بدری، س. ع، سلمانی، م. و قرنی آرنی، ب. (۱۳۸۸). تحلیل عوامل موثر بر الگوی مشارکتی توسعه روستایی مطالعه موردی: حوضه آبخیز حبله رود. *پژوهش های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۱، شماره ۶۹، صص ۸۶-۶۷.
- کاظمی، ع و شکیب، ع. (۱۳۹۳). بررسی عوامل تاثیرگذار در ایجاد نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی تحقیق موردی: شرکت هپکو. www.yu.ac.ir/.../عوامل_تاثیر_گذار_در_ایجاد_نو_آوری_۶۰۷۲.pdf.
- مطهری، ع. (۱۳۸۶). کارآفرینی، خلاقیت، نوآوری تهران: انتشارات آزاد مهر.
- نعیمی، ا. نجفلو، پ. و سبحانی، س. م. (۱۳۹۴). نقش آموزش، ترویج و اطلاع رسانی در توسعه فناوری زیستی کشاورزی از دیدگاه متخصصان. *فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره 33، صص ۹۷-۱۱۰

Matthews-Njoku, E. C., Angba, A. O., & Nwakwasi, R. N. (2009). Factors influencing role performance of community-based organizations in agricultural development. *International NGO Journal*, 4(6), 313-317.

-Ozor, N., & Nwankwo, N. (2008). The role of local leaders in community development programmed in ideate local government area of Imo state: Implication for extension policy. *Journal of Agricultural Extension*, 12(2).

Ricketts, K. G. (2005). The importance of community leadership to successful rural communities in Florida (Doctoral dissertation, University of Florida).

Williams, L. L., & Lindsey, M. J. (2011). Rural Leaders and Leadership Development in Pennsylvania. Center for Rural Pennsylvania.